

بقلم : آقای مرتضی مدرسی چهاردهی

سیر حکمت و عرفان در ایران باستان

-۲-

پدرمانی « پاتک » یکی از فضایل بنام و مقرب دربار اردشیر بود ، او فرزند خود را طوری تربیت نمود تا از لحاظ جنبه علمی مخصوص و برتری را در دربار شاهان ساسانی اشغال نمود .

مانی در سن سی سالگی مردی فاضل و در زمره دانشمندان قرار گرفت . مرسوم دربار ساسانی چنین بود که در روز تاجگذاری و اعیاد رسمی دانشمندان نیز حتماً باید شرکت کنند و مقدم آنها را تهنیت گویند .

مانی در روز يك شنبه اول نيسان سال ۲۴۲ میلادی که مطابق شب جشن مهرگان « ۱۶ مهر » و روز جشن تاجگذاری شاپور اول بود از طرف گروه دانشوران حاضر در جشن مأمور عرض تبریک و تهنیت گردید و بطوریکه بعضی از مورخین منذ کر گردیده اند در همین روز ضمن شاد باش تاجگذاری مابانی آئین خود را با بیانی فصیح و گیرا گوشزد نمود .

آگاتیاس مورخ یونانی در سده ششم میلادی متوفی ۴۰۸۳ با آنکه از مخالفین انوشروان بوده نتوانسته است مراتب دانش پروری و کمال دوستی این شهریار دادگستر را نادیده انگارد .

وی اظهار تعجب و تحیر مینماید که پادشاهی با وجود اشتغالات بامور جنگی و مملکت داری چطور از آموختن فلسفه آنی غفلت نمی نمود و می نویسد که اورانیوس فیلسوف و پزشک بزرگ سوریه را بدربار خود جلب نمود تا از وی حکمت و فلسفه بیاموزد .

و نوشته اند که وی در جوانی تحصیل فلسفه را شروع کرد و با تعلیمات ارسطو و افلاطون آشنا شد.

دو سال پیش از زمان همین پادشاه یعنی سال ۵۲۹ میلادی ژوستی نیانوس امپراتور روم شرقی رومیة الصغری « بیزانس ۵۲۷ تا ۲۵۶ » مدارس فلسفی آتنیه و اسکندریه و رها شمال الجزیره « دارالعلم معروف سنت افرم را بست و هفت تن از دانشمندان مدرسه آتنیه بدربار انوشیروان رو آوردند وی مقدم آنها را گرامی و معتنم دانست و ورود آنها بحوزه شاهنشاهی ایران بسیار پر ارزش و مهم بود زیرا تخم علم و حکمت را با خود بایران آوردند که بعد ها پایه حکمت و فلسفه اسلامی گردید.

دو کانون بزرگ علمی در امپراتور روم موجود بود آتن محل تعلیم و تعلم فلسفه و ادبیات و علوم اجتماعی و اسکندریه مرکز علوم روحانی و آئین . دانش پژوهانی که طالب یکی از این دو رشته علوم بودند هر کدام بیکى از مراکز رومی آوردند .

مدارس دیگری نیز در قسطنطیه - بیروت - نصیبین - جندی شاپور - حران وجود داشت که در آنها علوم طبیعیات - ریاضیات - الهیات از روی فلسفه و مکاتیب یونان تدریس میشد .

در آغاز قرن ششم میلادی امپراتور روم دانشمندان آتن را که پابست بائین و آداب و مذهب یونان قدیم بودند تحت فشار قرار داد و آنان ناگزیر بجلائی وطن و آمدن بدربار ایران شدند .

از همه دانشمندان برجسته تر سیمپلیکوس از اهالی سیلیسی و بریسکیانوس از اهالی لیدی بود .

بین این هفت نفر فقط دو نفر پلو تارک و دومنیونوس یونانی بودند و بقیه مصری و آسیائی ، پروکلوس اهل بیزانتیه . داماسیکوس یکی دیگر از

دانشمندان مهاجر بود که در کتاب خود اطلاعاتی از عقاید مشرق زمین که در موقع اقامت خود در ایران کسب کرده بود نوشته است .

انوشیروان با حکمای فراری مباحثات فلسفی نمود و هنگام عقد قرار داد با ژوستینی نیانوس مخصوصاً يك ماده افزود که فلاسفه و دانشمندان نام برده آزادی فکر و عمل داشته باشند و بتوانند با وطن خود برگردند .

عشق و علاقه او بعلم سبب شد که در مغرب زمین معتقد شوند که « یکی از شاگردان افلاطون بر اورنگ شاهنشاهی ایران تکیه زده است » کتابهای فلسفه ارسطو و افلاطون در زمان او بزبان پهلوی ترجمه گردید و هم چنین بسیاری از آثار ادبی هند منجمله کلیله و دمنه از زبان سانسکریت بزبان پهلوی ترجمه شد و همان ترجمه پهلوی توسط ابن مقفع « متوفی ۱۴۰ هـ = ۷۵۷ میلادی » در دوره اسلامی عبری ترجمه شد و از روی ترجمه عربی بسایر زبانهای اروپائی نیز نقل و سرچشمه بسیاری از داستانها و افسانههای ادبیات اروپائی گشت .

حکمای ایران درین دوره خود مشرب فلسفه جدا گانه ای انتخاب نمودند و دسته‌ای را تشکیل دادند که در فلسفه اسلام بنام « خسرو دینین پهلویین » نامیده شده و درباره‌ی از مباحث فلسفه آراء آنها محل شاهد قرار گرفته من جمله صدر المتالین شیرازی و حاج ملاهادی سبزواری وجود چنین مشربی را در تألیفات خود ذکر کرده‌اند (۱) :

« الفهلویون الوجود عندهم حقیقة ذات تشكك نعم مراتبا غنی و فقر تختلف کالنور حیثما تقوی و ضعف . »

استاد سعید نفیسی چنین می نویسد :

خسرو انوشه روان بحکمت یونان و گفتار افلاطون و ارسطو دل بستگی داشت و در زمان خود در میان یونانیان به جنبه حکمت معروف بود چنانکه آگا

ثیاس خود در موضع دیگر می نویسد (۱) که تمام کتابهای این دو حکیم بزرگ حتی مشکل ترین آنها را فرموده بود ترجمه کنند.

ظاهراً کتابهای حکمت یونان را در ایران بزبان سریانی^۱ می آموختند و ترجمه‌هایی که بدستورانوشیروان شده سریانی بوده چنانکه دانشمند شهیر فرانسوی ارنست رنان در مقاله‌ای که در مجله آسیائی پاریس شماره ماه آوریل ۱۸۵۲ نوشته است از نسخه خطی که در موزه بریتانیاست سخن می‌راند که خلاصه‌ای از منطق ارسطو بزبان سریانی است و مترجم آن پول ایرانی آنرا بنام «پیروز بخت خسرو خسرو شاه شاهان نیک‌ترین مردان تمام کرده است».

بهترین دلیلی که از دل بستگی خسرو انوشیروان بحکمت یونان داریم این است که یکی از هفت تن حکیم یونانی پریسین، کتابی در جواب سؤالات وی پرداخته است ازین سؤالات پیدا است که خسرو در حکمت یونان احاطه کامل داشته و ذوق سرشار و قریحه خاص فهم حکمت درو بوده است.

اصل کتاب پریسین بزبان یونانی در دست نیست و تنها ترجمه ناتمامی از آن بزبان لاتین موجود است که نسخه اصلی خطی نمرة ۱۳۱۴ در میان کتب خطی لاتینی کتابخانه سن ژرمن در پاریس از آن ضبط است.

عنوان این کتاب بدین قرار است (حل مشکلات فلسفه پریسین که خسرو شاه ایران طرح کرده است).

این کتاب شامل جوابهای مختصری است که در مسائل مختلف علم النفس و وظائف الاعضا و حکمت طبیعی و تاریخ طبیعی شاهنشاه ایران از وی کرده است نسخه موجود این کتاب شامل نه فصل است (از آغاز فصل نهم آن اندکی افتاده) و مقدمه‌ای که در ضمن آن پریسین سبک تحقیقات و اسناد و استادهاى خود را نام می‌برد و بهمین جهت عده کثیر از کتب یونانی را نام برده است که بعضی از آنها جای

دیگر ذکر نیست و پس از این مقدمه بهر يك از سخنان خسرو انوشیروان جوابی می نویسد فهرست سؤالات انوشیروان بدین قرار است :

- ۱ - ماهیت روح چیست؟! آیا روح در تمام موجودات يك سانست؟ آیا اختلاف ارواح است که سبب اختلاف ابدان میشود یا بالعکس اختلاف ابدان باعث اختلاف ارواح است؟
- ۲ - خواب چیست؟ آیا فراهم آورده همان روحی است که در بیداری عمل می کند یا اینکه فراهم آورده روح دیگری است؟ آیا با اصل گرمی و سردی مزاج مناسبت دارد؟
- ۳ - قوه تخلیه چیست؟ و از کجا می آید؟ اگر یکی از مدارك زوج است آیا خدایان آن را تولید میکنند یا ارواح ضاره؟
- ۴ - چرا در تمام اقالیم، سال تابع چهار تکامل بهار و تابستان و پاییز و زمستان است؟
- ۵ - چرا طبیبانی که در نوع مرض موافقت دارند در داروی همان مرض موافقت ندارند تا حدی که همان داروئی را که بعضی زیان آور می شمارند بعضی دیگر سودمند میدانند و از آن بهبودی می آید؟! (تفاوت رنگی)
- ۶ - چرا بحر احمر در هر روز مد و هر شب جزر دارد؟
- ۷ - چگونه میشود که اجسام ثقیل در هوا خود را نگاه میدارند ولی ممکن آتش هم چنان که در آثار جوی مشهود است جز در رطوبت نیست؟! (تفاوت رنگی)
- ۸ - چرا انواع مختلف حیوانات و نباتات را چون از ناحیه ای بناحیه دیگر برند پس از زمانی معین و بعد از چند بار که نسل پذیرد و روئیده شود اشکالی بخود میگیرد که مختص آن ناحیه ای است که آنرا بدان برده اند و اگر خاصیت هوا و زمین است که در آنها تغییر می آورد چگونه است که تمام اشخاص از يك نوع که دائماً در تضاد همین آثار بوده اند يك سیما و قیافه ندارند؟! (تفاوت رنگی)

ازین هشت سئوالی که خسرو انوشیروان از پریسین کرده است پیداست که وی نه تنها در قلمرو سیاست و جهانگیری مرد تیزهوش و خداوند رای صائب بوده است بلکه در حکمت نیز عادت به تحقیق و تفکر داشته و در پی حقایق میگشته و در صدد گشادن معضلات بوده و با افزایش معلومات خویش میکوشیده است و به محض اینکه با یکی از حکمای طریقه افلاطونیون جدید روبرو شده است موقع را غنیمت شمرده و برای آگاهی خود و پویندگان راه حقیقت این سخنان را از وی پرسیده است .

در مقدمه ترجمه ارسطو به سریانی که پیش ازین ذکر کردیم از آن رفت مترجم آن کتاب چند سطر خطابه به خسرو انوشیروان دارد که مقام وی را در میان حکمای آن زمان آشکار میکند در جائی که کتاب خویش را بنام وی میبرد و در حقوق میگوید « چون من این ارمنان حکیمان را بشما تقدیم کنم جز آن نکرده ام که میوه ای را که از باغ شما چیده ام به پیشگاه شما تسلیم کنم هم چنانکه ایزد را از پیشگاه شما تسلیم کنم هم چنانکه ایزد را از موجوداتی که در میان مخلوقات او بر گرفته اند ، قربانی میدهند .

دوره انوشیروان مکمل دوره نهضت حقیقی ایرانی و از درخشانترین قسمت تاریخ ساسانی است ، دانش و فرهنگ در زمان شاهنشاه بمنتها حد ممکنه توسعه پیدا نمود و صمیمانه بعلم و ادب و پیشرفت فلسفه و حکمت خدمت کرد و راه را برای توسعه تصوف در قرون بعد هموار ساخت .

اینها گلچینی از تحقیقات سعید نفیسی و علی سامی دانشمندان باستان شناس بود . ولی نویسنده این سطور گوید طرح این سئوالهای علمی دقیق ترین پرسش-هائی است که از فلسفه یونان حکمت طبیعی ، الهیات یک دانشمند مینماید چون محیط علمی ایران باستان در باره آن پرسشها قیل و قالی داشت ، دانشمندان صاحب نظری بودند که پاسخ های درست آنرا میدانستند شهریار بزرگ ایران

خواست نظر حکمای یونان را جویا گردد .

پرسش‌های کسری معر که آزاء مدرسه‌های فلسفی و عرفانی بود . حکیمان و عارفان نظرهایی داشتند ، حکیم آن فرزانه‌ای بود که بتواند بروش اصول علمی ، پاسخ هر يك از پرسش‌ها را بنماید . اینها پرسشهای ساده و آسان نبود که هر کس اندک معرفتی داشته باشد بتواند جواب دندان‌شکن علمی دهد . هر گاه نگاهی به فلسفه و عرفان قرون وسطی اندازیم خواهیم دانست که پاسخ پرسشهای انوشیروان تحصیلات عالی در حکمت و عرفان میخواهد ، دلیل . برهان ، ذوق ، سلیقه ، فهم مستقیم میخواهد ، از آنجا که همه میدانیم تشکیلات اداری و سیاسی دولت شاهنشاهی ایران باستان بسیار پر دامنه‌دار ، دقیق بود ، جهان‌گشائی شهریاران ایران برابری با قدرت یونان مینمود شاید بتوان گفت که این سئوالات خلاصه آراء و معتقدات حکما و عرفای ایران بود که بصورت پرسش بنام شهریار ایران از حکمای یونان شد .

آنان که میگویند ایران پیش از اسلام فرهنگ و عرفان نداشت !! در برابر این اسناد تاریخی چه میگویند ؟ ! چرا نگوئیم که اندیشه‌های تابناک بزرگان خردمند ایرانی بود که زمینه را برای نفوذ دیانت پاك اسلامی در ایران گسترش داد ، چنانکه در همان آغاز اسلام روشنفکران ایرانی دیانت پاك اسلام را باور داشتند و همین اندیشه‌های بزرگ خردمندان بود که بصورت حکمت و عرفان بعد از اسلام تجلی کرد .

چنانکه در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز و ایان عرب که در ایران حکومت داشتند بخلیفه نوشتند که ایرانیان برای فرار از جزیه مسلمان میشوند تکلیف چیست ؟ ! عمر بن عبدالعزیز دستور داد که اسلام برای دریافت جزیه نیامده است !! هر کس که اسلام آورد باور کنید و او را در جرگه مسلمانان بدانید .